

نویسنده : والدن بلو (Walden Bello)

منبع و تاریخ نشر : کمان دریم « 2020-07-08 »

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

زیربناهای نژادپرستانه راه جنگ آمریکا

The Racist Underpinnings of the American Way of War

تعامل مرگبار نژادپرستی ، نسل کشی و انکار در قلب جامعه سفیدپوست آمریکا در جنگهای این کشور بازتولید شده است .

The deadly interplay of racism, genocide, and denial at the heart of American white society has been reproduced in the country's wars



ارتش نهادی از جامعه آمریکا است و به همین ترتیب منشأ و توسعه آن تحت تأثیر اقتصاد سیاسی ایالات متحده قرار گرفته است . نظام سرمایه داری . (عکس: Shutterstock)

واکنش سریع فرماندهی ارتش آمریکا علیه تلاش رئیس جمهور **دونالد ترامپ** برای استفاده از ارتش علیه افرادی که خواستار عدالت نژادی هستند، مطبوعات مطلوبی را به دست آورد.

اما اجازه ندهیم که از ستایش غافل نشویم. نیروهای مسلح ایالات متحده در بیشتر تاریخ خود از نظر نژادی تفکیک شده‌اند. تنها در دهه (50) بود که روند آهسته ادغام آغاز شد، و تبعیض نژادی هنوز هم یک مشکل اساسی در صفوف امروز است.

در حالی که نژاد در رابطه با ترکیب و سازماندهی ارتش بسیار مورد بحث قرار گرفته است، توجه کمتری به نحوه نژادپرستی به عنوان ویژگی اصلی در چگونگی جنگ ایالات متحده در جنگ انجام شده است.

ارتش یک نهادی از جامعه آمریکا است و به همین ترتیب منشأ و توسعه آن تحت تأثیر اقتصاد سیاسی سرمایه داری ایالات متحده قرار گرفته است.

اقتصاد سیاسی ایالات متحده بر دو "گناه اصلی" یا دو عصبان اصلی «ساخته شده است. یکی، نسل‌کشی بومیان آمریکایی بود که کارکرد اصلی آن پاکسازی زمین برای کاشت و گسترش روابط سرمایه داری تولید بود. دوم نقش اصلی بود که توسط کاربرده آمریکایی های آفریقای تبار در پیدایش و تحکیم سرمایه داری ایالات متحده انجام شد.

این گناهان اصلی چنان نقش اساسی داشته‌اند که تولید مثل و گسترش سرمایه داری ایالات متحده با گذشت زمان، به طور مداوم ساختارهای نژادی آن را بازتولید کرده است.

انگیزه های نژادی آن چنان قدرتمند بود که فراهم آوردن مشروعیت لازم برای عملکرد دموکراسی سرمایه داری، انکار ایدئولوژیک بنیادی ساختارهای نژادی آن را ضروری می ساخت. این انکار بنیادی نخستین بار در پیام اعلامیه استقلال برابری بنیادین "در بین مردان" نوشته شده بود که توسط **توماس جفرسون** برده دار تهیه شده است. بعداً در این ایدئولوژی آشکار شد که رسالت گسترش امپراتوری ایالات متحده جهانی سازی آن برابری در جوامع غیر اروپایی و غیر سفید است.

چرا ما روی جنگ سازی تمرکز می کنیم؟ **اول**، زیرا جنگ یک اتفاق اجتناب ناپذیر در اقتصاد سیاسی سرمایه داری است. **دوم**، زیرا گفته شده است که شیوه ای که یک کشور

جنگ می کند روح خود را آشکارا می کند ، همه چیز راجع به آن یا استفاده از آن اصطلاح مشتق شده " ذات " آن است .

تعامل مرگبار نژاد پرستی ، نسل کشی و انکار رادیکال در قلب جامعه سفید پوست آمریکا در ارتش آن جامعه باز تولید شده است ، و این به ویژه در جنگهای آسیای آمریکا مشهود است .

جنگ در فیلیپین: یک ذهنیت نسل کشی

جنگ نژاد پرستانه در فیلیپین عملی شد ، که از سال (1899 تا 1906) توسط ایالات متحده مورد حمله و استعمار و وحشیانه فرار گرفت .

مسئولیت این بنگاه به اصطلاح " **مبارزان هندی** " مانند ژنرال ها **آرتور مک آرتور** و **هنری لوتون** بودند که علیه جنگنده **آپاچی جرنیمو** جنگیدند ، که ذهنیت نسل کشی را که همراه با جنگ آنها علیه آمریکایی های بومی «سرخ پوستان» که در غرب آمریکا بود به مجمع الجزایر آوردند .

فیلیپین ها توسط نیروهای آمریکایی به لقب ویا "تعداد نامهای دیگری" نامگذاری شده بودند ، اگرچه یک مفاصل نژادپرستانه دیگر ، " **گوگوس** " نیز برای آنها بسیار مورد استفاده قرار گرفت . هنگامی که **فیلیپینوس** به جنگ چریکی متوسل شد ، آنها به عنوان بربرها که در جنگ غیرقانونی کار می کردند ، به منظور قانونی کردن انواع قساوت علیه آنها ، از بین رفتند . جنگ تسلیم بدون محدودیت انجام شد ، به طوری که ژنرال **جیکوب اسمیت** معروف ، به سربازان خود دستور داد با کشتن هر مرد بیش از « 10 » سال ، **ساما** را به "بیا بان زوزه" تبدیل کنند .

اما در همان زمان که مشغول جنگ وحشیانه ای بود که جان (500000) فیلیپینی را گرفت ، استعمار این مجمع الجزایر به عنوان مأموریتی برای گسترش منافع دموکراسی برای آنها توجیه شد . " بار سنگین مرد سفید " را که در سال (1899) برای تجلیل از فتح آمریکا بیان مجمع الجزایر نوشته شده بود ، نوشت که رودارد **کیپلینگ** در سراسر آمریکای سفید طنین انداز کرد .

جنگ جهانی دوم در اقیانوس آرام: نژادپرستی نامحدود

جنگ در اروپا که ایالات متحده در طول جنگ جهانی دوم انجام داد در بین مردم آمریکا به عنوان جنگی برای نجات دموکراسی تبلیغ شد . در تنا تر اقیانوس آرام چنین اتفاقی نیفتاد ،

جایی که همه انگیزه های نژادپرستانه جامعه آمریکا به صراحت از ارائه زیرمجموعه ژاپنی مهار شده بودند.

این سمت نژادی به جنگ اقیانوس آرام به اویک کیفیت شدید از بین برد. مطمئناً ، این یک تقابل بین دو نظامی نژادپرست بود. هر دو طرف ، دیگر افراد را به عنوان بربرها و افراد فرهنگ فرومایه نقاشی می کردند ، تا به انواع و اقسام مجازات بپردازند. نقض قوانین کنوانسیون ژنو امری عادی بود که هیچ یک از طرفین ترجیح نمی دهند زندانیان را به خود اختصاص دهند. هنگا می که زندانیان را گرفتند ، آنها مورد خشونت سیستماتیک قرار گرفتند.

حتی هنگامی که ایالات متحده علیه ژاپن جنگ می کرد ، جنگ داخلی علیه آمریکایی ها با نژاد ژاپنی انجام داد و آنها را خارج از کمبود قانون اساسی اعلام کرد و کل جمعیت را در معرض خطر قرار داد ، چیزی که وقتی برای آمریکایی های تبار آلمانی یا ایتالیایی پیش آمد ، غیرقابل تصور بود. آلمان و ایتالیا نیز کشورهای دشمن بودند.

اما شاید رادیکال ترین بیانگر جریان نابودی نژادپرستانه جنگ آمریکا علیه ژاپن ، سوزاندن هسته ای ناگازاکی و هیروشیما در اوت سال « 1945 » بود ، اقدامی که هرگز با سرنوشت همراهان نژاد سفید ما نند آلمانی ها سرگرم نمی شد.

جنگ در کره: "همه چیز نابود شده است"

در جنگ کره (1950-1953) نیز شاهد دیا لکتیک نژادپرستی ، نسل کشی و انکار بود. این جنگ به عنوان یکی از نجات کره ای ها از کمونیسم توجیه می شد ، اما به نابودی آنها نزدیک شد.

ژنرال **داگلاس مک آرتور** ، که فرمانده ارشد بود ، از استفاده از سلاح های هسته ای دفاع کرد. برنامه وی استفاده از بمبهای اتمی علیه **چین** و **کره شمالی** هنگام عقب نشینی و سپس پخش کمر بند کبالت رادیواکتیو در سراسر شبه جزیره کره بود تا از عبور آنها به کره جنوبی جلوگیری شود. این امر توسط واشنگتن به نفع بمباران هوایی نامحدود با استفاده از بلوک های معمولی و همچنین بمب های وحشتناک جدید ناپالم رد شد.

نتیجه همان بود. ایالات متحده در طول جنگ جهایی دوم تعداد بیشتری بمب بمبی را در کره در سالهای (1950-1953) نسبت به اقیانوس آرام کاهش داد. ژنرال Emmett O

Donnell ، رئیس فرماندهی بمب افکن نیروی هوایی ایالات متحده ، نتیجه را اینگونه توصیف کرد: "همه چیز نابود شده است. چیزی مانده است که شاید اسم با شد."

قبل از کنگره ، ژنرال مک آرتور ناخواسته اعتراض به کیفیت جنگنده ای را که انجام داد ، انجام داد. وی گفت: "جنگ در کره تقریباً « 20 » میلیون نفر از این کشور را نابود کرده است." "من هرگز چنین ویرانی ندیده ام."

این در کره بود که ازدواج نژاد پرستی با فناوری پیشرفته برای تولید ویرانی های قریب به اتفاق که یکی از ویژگی های اصلی راه جنگ آمریکا است ، به کمال رسید. زندگی گرانبهای سفید پوست آمریکایی ها باید در کمترین زمان ممکن صرف هزینه شود ، در حالی که هرچه بیشتر زندگی ارزان قیمت آسیایی را ممکن است از طریق جنگ هوایی نامحدود با تکنولوژی انجام دهد.

ویتنام: " پرتاب بمب بالای آنها به دوران سنگ باز می گردد"

رئیس نابودی نژادی بارد یگر در طول جنگ ویتنام پدیدار شد.

برچسب زدن کلمه (گوکس = gooks) به زبان ویتنامی که یک اصطلاح نفرت انگیز برای تحقیر شخصیت افراد است و از لفظ یا اصطلاح (گوگس = gugus) فلیپینی گرفته شده است در اوایل جنگ استعماری بخاطر از بین بردن صفات انسانی و یا بخاطر محروم کردن افراد از خصایل انسانی در همه بازی ها ویتنامی در بین مبارزان و غیرمبارزان بگونه بازی منصفانه گفته شده رقم زده میشود.

مانند فلیپین در اواخر قرن ، تاکتیک های چریکی ویتنامی ؛ آمریکایی ها را ناامید کرد - و زیربنای نژاد پرستی ذهن نظامی آمریکا به واشنگتن این امکان را داد که بدون تلاش خود برای ایجاد پیروزی در این جنگ ، جنگی را انجام دهد ، عملی که نا دیده گرفتن همه اصول کنوانسیون ژنو. همانطور که در کره به چنین کار دست زد ، ایالات متحده در ویتنام "جنگ محدود" را به معنای محدود کردن آن از نظر جغرافیایی نیز انجام داد تا به جنگ جهانی نپیوندد ، اما این جنگ محدود را با وسایل نامحدودی انجام داد.

dehumanization (محروم سازی از کرامت انسانی) نژادی ویتنامی ها به بیان ژنرال کورتیس لمی ، رئیس ستاد فرماندهی هوایی استراتژیک ، بیان کلاسیک خود را پیدا کرد و گفت که هدف آمریکا باید "بمباران ویتنامی ها به عصر سنگ" باشد. واشنگتن سعی کرد همین کار را انجام دهد: از سال (1965 تا 1969) ، ارتش آمریکا (70) تن بمب برای هر

ما یل مربعی از شمال و ویتنام جنوبی پرتاب کرد - یا (500) پوند بمب برای هر مرد ، زن و کودک.

همان زمان که آنها؛ آنها را به طور غیرقانونی به قتل می رسانند ، واشنگتن اصرار داشت که ماموریت آنها نجات ویتنامی ها از کمونیسم و آوردن دموکراسی به سبک آمریکایی است دقیقاً همانا گونه که آن را به فیلیپین ، ژاپن و کره آورده بود ، و این امر نیز خواهد بود. نه برای جواب دادن

باز هم ، استراتژی سیاسی و نظامی ایالات متحده بدون مراجعه به مفروضات نژادی سابلیمی (نیم خود آگاه) که آنرا راهنمایی می کردند قابل درک نیست. هزینه های ناشی از جنگ مشخص شده توسط یک نژادپرست و نژاد پرستانه ویرانگر بود: در حدود «3.5» میلیون ویتنامی در کمتر از یک دهه کشته شدند.

روش جنگ آمریکا

در مجموع ، آنچه ما ممکن است "راه جنگ آمریکا" بدانیم ، از یک فرآیند پیچیده تاریخی و عقیدتی پدید آمده است.

این جنگ سازی را نمی توان از نژادپرستی جداگانه ای که در اقتصاد سیاسی سرمایه داری ایالات متحده حک شده است ، جدا کرد و از لحاظ ساختاری در رشد و گسترش آن بازتولید می شود.

این کتیبه ساختاری از دو گناه اصلی ناشی می شود: نسل کشی آمریکایی های بومی برای پاکسازی مسیر اجتماعی و طبیعی برای ظهور و تحکیم سرمایه داری و کار برده داری آمریکایی های آفریقایی تبار که نقش اساسی در ایجاد پایه های سرمایه داری صنعتی داشتند.

به دلیل نقش بنیادی نسل کشی و نژاد پرستی ، مشروعیت ایدئولوژیک لازم برای عملکرد سیستم ، یک انکار اساسی رادر قالب اعلامیه برابری "در بین مردان" درگیر کرده و ادعا می کند که هدف از گسترش امپراتوری ایالات متحده گسترش است. این برابری در سراسر جهان این دیا لکتیک پرتنش از نسل کشی ، نژادپرستی و انکار رادیکال ، جنگهای امپریالیستی آمریکا در آسیا را به طرحی نابودگرانه بدل کرد.

سرانجام ، شیوه جنگ آمریکایی با ازدواج با فناوری پیشرفته و نژاد پرستی مشخص شده است که برای محدود کردن مخارج زندگی در یک طرف انجام می شود و در عین حال

ویرانی های گسترده ای را از طرف دیگر تحمیل می کند - با این فرض راهنمایی که زندگی سفید زندگی گرانبها و رنگی است. ارزان هستند

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

والدن بل بنیانگذار و تحلیلگر ارشد فعلی بانکوک مبتنی بر تمرکز روی گلوب جنوبی و استاد بین المللی جامعه شناسی در دانشگاه ایالتی نیویورک در بینگامتون است. وی در سال 2003 جایزه حق معیشت ، همچنین به عنوان جایزه نوبل جایگزین را دریافت کرد و در سال 2008 به عنوان محقق برجسته انجمن مطالعات بین المللی شناخته شد.



«2020-07-09» **با تقدیم احترامات**
